



اشاره به عبارتی از زیارت اربعین امام حسین علیه السلام

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا قَبْرُ ابْنِ حَبِيبٍ وَ صِفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ أَنَّهُ الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ أَكْرَمَتَهُ بِكِتَابِكَ وَ حَصَصْتَهُ وَ ائْتَمَّنْتَهُ عَلَيَّ وَ حَيْكَ وَ أَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ وَ جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَيَّ خَلْقِكَ مِنَ الْأَصْفِيَاءِ فَاعْذِرْ فِي الدُّعَاءِ وَ بَدَلْ مُهَجَّتَهُ فَيْكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ الْجَهَالَةِ وَ الْعَمَى وَ الشُّكِّ وَ الْارْتِيَابِ إِلَى بَابِ الْهُدَى مِنَ الرَّدَى وَ أَنْتَ تَرَى وَ لَا تَرَى وَ أَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى حَتَّى تَارَ عَلَيْهِ مِنْ خَلْقِكَ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا وَ بَاعَ الْآخِرَةَ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ الْأَدْنَى

و جانش را در راه تو بذل کرد. تا بندگان را از گمراهی و نادانی و تاریکی و شک و شبهه نجات دهد، و به طرف هدایت و رهائی از هلاکت بکشاند

ابن قولویه. ۱۳۵۶. کامل الزیارات. نجف اشرف: دارالمرتضویه.

- مروی کلی بر مباحث جلسه گذشته
- اشاره به دو نظریه متفاوت در قیام عاشورا
- اشاره به علم الهی امامان معصوم (ع) در فرهنگ قرآنی
 - اشاره به مباحث خلقت انسان و خلیفه با توجه به آیات ۳۱ الی ۳۴ سوره مبارکه بقره
 - ملائکه و بیان هدف از خلقت بر تسبیح و تقدیس
 - خلیفه الهی و تعلیم تمامی حقایق از پروردگار
 - ملائکه قدرت تعلیم علم الهی را همانند حضرت آدم علیه السلام ندارند
- تعریف خلیفه الهی در کلام عارفان
 - خلافت انسان کامل، نه به معنای خالی شدن صحنه ی وجود از خداوند است، و نه واگذاری مقام الوهیت خداوند به او، زیرا نه غیبت و محدودیت خداوند قابل تصور صحیح است و نه استقلال انسان در تدبیر امور، چون موجود ممکن و فقیر از اداره ی امور خود عاجز است، چه رسد به تدبیر کار دیگران. اگر فعلی، مظهر فعل دیگر باشد و یا صفتی مظهر صفت دیگر باشد و نیز اگر ذاتی مظهر ذات دیگر باشد و جای آن را بگیرد، و تفاوت بین آنها همان امتیاز بین ظاهر و مظهر باشد و یکی اصل و دیگری آیت و مرآت او باشد، می توان گفت که درباره ی خداوند استخلاف فرض صحیح دارد.
 - خلاصه آن که خداوند چون بر هر چیزی محیط و شاهد است، محیط مطلق، خلیفه نخواهد داشت و حاضر محض، استخلاف نمی پذیرد و این که کسی را به عنوان خلیفه ی خود معرفی می کند، بدین معناست که آن شخص دست خداست که ظهور می کند، چنانکه فرمود: «یَعْدِبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ؛ خدا آنان را به دست شما عذاب داد.» (توبه/ ۱۴) و نیز فرمود: «و ما رمیت إذ رمیت ولكن الله رمی؛ چون [ایگ به سوی آنان] افکندی تو نیفکندی بلکه خدا افکند.» (انفال/ ۱۷)
 - در همه ی این موارد، دست خداست که از آستین بنده ی خاص وی بیرون می آید و در او ظهور می کند. انسان آیت، مظهر و خلیفه خدایی است که در وی ظهور کرده است و خلافت در چنین موردی بدان معناست که خداوند بالاصاله بر هر چیز، محیط است و خلیفه ی خدا که انسان کامل است بالعرض. چون معنای خلیفه آن است که مظهر مستخلف عنه باشد و کار مستخلف عنه را بکند. پس خدایی که بر همه چیز محیط است آثار قدرتتش، از دست انسان کامل ظهور می کند و این انسان کامل که مظهر آن اصل است، نیز محیط بر همه چیز می شود. آثار احاطه ی تامه ی حق از نیروهای ادراکی و تحریکی انسان که خلیفه ی اوست، ظاهر می شود و این اوج مقام انسانیت است که نمی شود او را متوقف و محدود کرد.



تفسیر تسنیم قرآن کریم جلد ۳

- امام حسین علیه السلام و معرفی مردمان کوفه (از منابع اهل سنت)

○ لما بايع معاوية بن أبي سفيان الناس [۳۶۲] ليزيد بن معاوية، كان حسين بن علي بن أبي طالب ممن لم يبايع له، وكان أهل الكوفة يكتبون إلى حسين يدعونه إلى الخروج إليهم في خلافه معاوية [وفى] كل ذلك يأبى [عليهم الحسين] فقدم منهم قوم إلى محمد بن الحنفية فطلبوا إليه أن يخرج معهم فأبى وجاء إلى الحسين فأخبره بما عرضوا عليه، وقال: ان القوم إنما يريدون أن يأكلوا بنا ويشيطوا دماءنا [۳۶۳].

▪ طبقات ابن سعد صفحه ۵۳ و ۵۴ / ابن عساکر صفحه ۱۹۷

- اشاره به شواهدی تاریخی در زمان امام حسن علیه السلام

○ بعدها عبدالله بن عباس در نامه خود به حسن بن علی (ع) نوشت:

○ مردم بدین دلیل پدرت را رها ساختند و به سوی معاویه رفتند که او در تقسیم بیت المال به صورت مساوی عمل می کرد. و مردم تحمل چنین روشی را از سوی حکومت را نداشتند

▪ الفتح، ۱۹۴/۴؛ شرح نهج البلاغه ۳۲/۲۱.

○ این گونه بود که آن دو عنصر سرشناس و صحابی پیامبر (ص) از علی (ع) فاصله گرفتند و روانه مکه شدند تا علیه آن حضرت تدابیری بیندیشند. جز طلحه و زبیر، اشراف کوفه نیز به معاویه متمایل بودند، زیرا علی (ع) برای آنان نیز سبب به دیگران قایل نبود، در حالی که معاویه همیشه جانب آنان را نگه می داشت.

▪ الغارات ۴۴/۱.

- بررسی مفهوم جهل و جهالت در فرهنگ اسلامی

○ جاهلیت از جهل به معنای خیره سری، بی خردی، پرخاشگری و شرارت اخذ شده است

▪ و در مقابل علم و رفتار برخاسته از علم و دین به کار رفته است. و قرآن کریم دوران پیش از ظهور اسلام را از آن جهت که علم و دین حاکمیت نداشته، عصر جاهلی نامیده است.

• تاریخ الادب العربی (العصرالجاهلی)، شوقی ضیف، ترجمه علیرضا ذکاوتی، ص ۴۷.

▪ جهل به معنای شرارت با توجه به سوره مبارکه بقره آیه ۶۷

• وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُذْبَحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُؤًا قَالِ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ (۶۷)

▪ تعصب جاهلانه با توجه به سوره فتح آیه ۲۶

• إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

- معنای جاهلیت در تاریخ اسلام

- جمع بندی جلسه دوم